

ضعف اروپا در بازی خطرناک با روسیه

تاوان دست کم گرفتن روسیه

مسکو در طول ۱۷ سال گذشته و تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی، بیش از ۴۰ بار اقدام به قطع یا تهدید به قطع صادرات انرژی کرده است.



عدم واکنش مناسب از سوی ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا، نسبت به سیاست‌های غیرشفاف و تهدیدآمیز روسیه، باعث شده است مقامات کاخ کرملین متقاعد شوند که غرب به خاطر نیاز مبرم خود به منابع انرژی روسیه، در برابر این کشور ضعیف است و تمایلی برای واکنش نشان دادن به آن ندارد. در واقع نگرانی‌هایی که امروزه غرب را نسبت به وابستگی بیش از حدش به منابع انرژی روسیه به وحشت انداخته، باید قبل از این که بحران اوکراین، در اوایل سال ۲۰۰۶ به وقوع می‌پیوست، سبب به صدا درآمدن زنگ هشدار در بلاروس و سایر پایتخت‌های اروپایی می‌گردید.

اشتباهاتی که غرب باید تاوان آن را بپردازد

رفتاری که امروز از روسیه در عرصه روابط بین‌الملل شاهد می‌باشیم، از بی‌توجهی ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت به سیاست‌های غیرشفاف کرملین، سیاست‌های انحصارطلبانه آن و استفاده این کشور از منابع انرژی برای تحمیل نفوذ خود بر روی دمکراسی‌های جدید، در اروپای شرقی و اروپای مرکزی نشأت می‌گیرد. به طور حتم می‌توان گفت که قطع گاز کشورهای اوکراین و گرجستان در ژانویه ۲۰۰۶ میلادی، قطع نفت لیتوانی و بلاروس در همین سال و قطع مجدد گاز گرجستان در ژانویه ۲۰۰۷، همگی نشانه‌هایی دال بر این حقیقت هستند که روسیه خواهان ادامه دادن سیاست‌های دهه ۹۰ است. استفاده روسیه از سیاست خط لوله، به تاریخ ۱۹۹۰ و زمانی بازمی‌گردد که این کشور صادرات

وجه حاضر به امضای قراردادهای بلندمدت نفت و گاز با اتحادیه اروپا که اروپایی‌ها خواهان آن می‌باشند، نیستند.

در حال حاضر نه تنها هیچ مدرکی دال بر این وجود ندارد که دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور جدید روسیه و رییس پیشین هیأت مدیره گاز پروم، این شرکت را وادار به اتخاذ سیاست‌های شفاف‌تر در حوزه انرژی نماید، بلکه از زمان روی کار آمدن او به عنوان ریاست جمهوری روسیه، تحرکات و اقدامات زیادی جهت حفظ سلطه روسیه بر بازار انرژی اروپا صورت گرفته است. از جمله این تحرکات می‌توان به سفرهای مدودف به دو کشور آذربایجان و ترکمنستان و انعقاد قراردادهایی برای خرید گاز آنها اشاره نمود. در واقع روسیه با خرید گاز کشورهای منطقه، از یک سو، از ایجاد رابطه مستقیم میان کشورهای منطقه با اروپا جلوگیری می‌نماید و همچنان به عنوان یک واسطه میان منطقه و اروپا به ایفای نقش می‌پردازد و از سوی دیگر به حاکمیت انحصاری خود، در خصوص صادرات انرژی به اروپا تداوم می‌بخشد.

اشتباه دیگری که غرب در خصوص روسیه مرتکب شده، بی‌توجهی به قراردادهای دوجانبه‌ای بوده که این کشور با اعضای مهم اتحادیه اروپا منعقد ساخته است؛ قراردادهایی که هر چند سبب آرامش خاطر برخی از کشورهای اروپایی برای تأمین انرژی مورد نیازشان گردیده ولی در همین حال باعث شده که این اتحادیه تا به امروز نتواند یک سیاست مشترک خارجی را در زمینه انرژی تدوین نماید. برای مثال قراردادهای دوجانبه اخیر روسیه با فرانسه، ایتالیا، مجارستان، بلغارستان، یونان و اسلواکی، ممکن است تأثیر مرگباری بر روی طرح اروپا، برای دور هم جمع کردن کشورهای دوازده‌گانه اروپا - که روسیه کنترلی بر روی نفت و گاز مورد نیاز آنها ندارد - داشته باشد. سیاست انرژی اتحادیه اروپا، تنها در صورتی موثر خواهد بود که کشورهای مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا نیز نقش موثری در اجرایی شدن آن ایفا کنند. این در حالی است که حمایت اتحادیه اروپا از خط لوله جریان شمالی، بین روسیه و آلمان و موافقت با همکاری کشورهای اروپایی برای ساخت خط لوله جریان جنوبی، در نهایت باعث شده که هم سیاست انرژی اتحادیه اروپا برای متنوع‌سازی ذخایر انرژی خود به خطر بیفتد و هم نفوذ روسیه بر روی اقتصادهای کلیدی اروپا افزایش یابد.

پاسخ‌های ضعیف و نابهنگام غرب به شرکت‌های دولتی روسیه باعث شده که آنها زمان بیشتری برای همکاری با یکدیگر و انعقاد قراردادهای دوجانبه با سایر دولت‌های غربی به دست آورند. چنین شرایطی موجب گردیده که روسیه بتواند ابزار قدرتمندی برای کنترل سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا به دست آورده و بازبینی مجدد این معاهده را در اروپا بسیار دشوار نماید. ■

انرژی به کشورهای حوزه دریای بالتیک را به منظور فرونشاندن جنبش‌های استقلال‌طلبانه آنها متوقف کرد. این سیاست هرچند نتیجه چندانی در پی نداشت، ولی روسیه برای دومین بار همین خط مشی را در سال ۱۹۹۲ به کار گرفت؛ زمانی که این کشورها خواهان برچیده شدن پایگاه‌های نظامی روسیه از منطقه شدند.

روسیه همچنین در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ صادرات گاز به اوکراین را در راستای مجبور کردن کی‌یف به پرداخت قبوض انرژی خود و همچنین تحت فشار قرار دادن اوکراین، برای خودداری از کنترل ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه کاهش داد. حتی شرکت "ترانس نفت" روسیه که انحصار صادرات نفت از خطوط لوله را بر عهده دارد، در راستای تلاش برای منصرف کردن لیتوانی از فروش پالایشگاه‌ها، تأسیسات بندری و خطوط لوله‌شان به کمپانی ویلیامز در اوکلاهوما آمریکا، ۹ بار جریان انتقال نفت خام را به لیتوانی قطع کرد. وقتی غرب همگی این موارد را کنار هم می‌گذارد، تصویری از روسیه شکل می‌گیرد، مبتنی بر این که مسکو به هیچ وجه شریک قابل اطمینانی برای غرب در زمینه انرژی نیست؛ چون از انرژی به مثابه یک سلاح سیاسی در تعاملات بین‌المللی خود با سایر کشورها استفاده می‌کند. حتی نتایج نظرسنجی روزنامه "فایننشال تایمز" که به تازگی منتشر شده، نشان می‌دهد که بیشتر مردم کشورهای ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلیس مخالف استفاده از گاز روسیه توسط کشورهای خود هستند و حتی به روسیه به چشم یک دشمن نگاه می‌کنند. البته با وجود تقویت چنین دیدگاهی نسبت به روسیه، مقام‌های روسی به هیچ